

## به استقبال میلاد آنکه حبیب خدا بود ...!

اگر نوح(ع) را "نبی الله"، ابراهیم(ع) را "خلیل الله"، موسی(ع) را "کلیم الله"، و عیسی(ع) را "روح الله" نامیده‌اند، محمد(ص) را "حبیب الله" شمرده‌اند!.... صفت ممتازی که پیروان آن پیامبر در دنیای امروز، بیش از همه به فراموشی آن متهم، و بیش از همیشه به فراموشی آن، در ارتباط با خودی و بیگانه، نیازمندند.

"حبیب" و محبت و محبوب و... همگی از ریشه "حُب" مشتق شده‌اند و تماماً دلالت بر مهر و دوستی و علاقمندی می‌کنند.

عرب‌ها یار و معشوق خود را "یا حبیبی!" صدا می‌کنند و در کلمه "حُب" همان معنا و مفهومی نهفته است که ما در زبان و ادبیات امروزی مان با کلمه "عشق" ابراز می‌کنیم.

اما کلمه "عشق" هرگز در قرآن نیامده و جایگاهی در ادبیات اصیل دینی ما ندارد، همان یک باری هم که در سخنان حضرت علی به آن اشاره شده، جنبه منفی و مذمت‌بار دارد:

"هرکس عاشق چیزی شود، عشق دیدگانش را تارو دلش را بیمار سازد. دیگر نه دیدگانش درست بنگرد و نه گوشش نیک بشنود. خواهش‌های دل عقلش تباہ کند و دنیا دلش بمیراند تا نفسش شیفته و سرانجام برده آن گردد"(نهج البلاغه خطبه ۱۰۹).

راستی چرا کلمه عشق در ادبیات دینی ما فاقد چنان جایگاهی است که انتظار می‌رود، تا جایی که برخی مستشرقین و مترجمین دین ستیز چنین تبلیغ کرده‌اند که گویا مسلمانی با عشق و دوستی مغایرت دارد!؟

حقیقت آنکه زبان امری ساری و جاری است و کلمات همچون آب خالصی که از سرچشمه سرازیر می‌گردد، به تدریج رنگ و رسوب بستر رابه خود می‌گیرند. کلمه "عشق" که در فرهنگ عرفانی و زبان فارسی ما وارد شده، گویا از همین طعم و تراوشات تاریخی و واردات عرفان شرق آسیا باشد که به تدریج به جای کلمه "حب" نشست است.

با کمی ژرف‌نگری زبان شناسی، چه بسا بتوان به بار معنایی و تفاوت دو کلمه عشق و حُب بهتر پی برد؛ عشق که در اساس به عالم احساس و عاطفه تعلق دارد، دلالت بر نوعی دل‌باختگی و شیدائی به کسی یا چیزی تا حد دلسوختگی و فنا می‌کند، اما "حُب" و محبت و حبیب و... با "حَب" (به معنای دانه) که عامل "رشد و کمال" است، هم ریشه هستند. دانه‌ای که از دل تنگ و تاریک خاک باید به سوی صحرای بازو نور و گرمای خورشید خارج شود و نهال استعداد نهان در ذرات خود را بالنده و بارور سازد. چنین دانه‌ای قدسی(حَب) در نهاد هرنسانی هم وجود دارد. آنچه این "حَب" را از زمین "خود خواهی" خارج می‌کند، "حُب" است، حُب به خالق و خلق او. در این صورت است که دانه قدسی بالنده و بارور می‌شود و انسان خاکی به افلاک سر می‌کشد.

و محمد(ص) "حبیب خدا" بود و محب بندگان او. حبیب (در باب فعلیل، مثل علیم و کبیر) دلالت بر کثرت و شدت می‌کند. او دانه قدسی خود را با الهامات محبوب آبیاری نیکوئی کرده و الگوی دوستی و مهربانی شده بود. او هم سایه مهر بود و هم سینه ستیر!

وصف این دانه درخت شده و آرمیدگان عزتمند در سایه آن را در انتهای سوره فتح چنین سروده است:

"محمد رسول خدا و همراهانش در برابر دشمنان حق، سخت مقاوم و با یکدیگر مهربانند... همچون گیاهی که جوانه‌اش از خاک برآورده و نیرومند ساخته تا ستبر گشته و بر ساقه خویش استوار بایستد"

آفریدگار عالم به گل سرخ تیغ هم داده است تا از خود محافظت کند، آیا هرگز دیده‌اید کسی رنگ و بوی گل سرخ را نادیده گرفته و تیغش را تبلیغ کند!؟

چند روز پیش که ویدیوی حمله ظفرمند!! نیروهای انتظامی در معیت لباس شخصی‌ها را به خوابگاه دانشجویان در نیمه شب ۲۵ خرداد و بدن‌های لت و پار شده و نیمه جان جوانان برومند وطن را می‌دیدم که تپه‌وار روی هم انباشته شده بودند، از خود می‌پرسیدم به راستی اینان به کدام خدا باور دارند؟

آیا جای شگفتی نیست که مدعیان "اسلام ناب نبوی" با نرد عشق باختن با ناپوران روسیه و چین و باتوم بغض و عناد کوفتن بر باورمندان هموطن، که گناهی جز مطالبه آزادی و امنیت ندارند، جایگاه "اشداء علی الکفار رحماء بینهم" (مقاوم در برابر بیگانگان و مهربان با خودی) را عوضی گرفته و سوراخ دعا را گم کرده‌اند!؟

محمدؐ که پیام آور رحمت (نبی الرَّحْمَه) بود، اینک چتر ریاکاری کسانی شده که جز "زحمت" و ضرر و زیان برای خودی و بیگانه حاصلی ندارند.

قرآن او را که رحمتی برای جهانیان (رحمة للعالمین) و رهبر دلسوزی برای "همه امت" بود، چنین توصیف کرده است:

در پرتو رحمت ویژه خدائی بود که تو با نافرمانان مهربان و نرم خو شدی، و اگر خشن و سنگ دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش خواه و در کار (ملک و ملت) با آنها مشورت کن.... (آل عمران ۱۵۹).

این است آئین رهبری برای نظامی که رئیس جمهورش داعیه مدیریت کل جهان را دارد!! و نیروهای گوش به فرمانش فرمان بریده فرزندان وطن را زیر می‌کنند!! و انگار به جنگ جالوت آمده‌اند، شعار می‌دهند:  
" این همه لشکر آمده به عشق رهبر آمده!!"

اگر این لشکریان تمامیت طلب و فرماندهانشان هنوز قابلیت "توبه" و بازگشت از زحمت به رحمت را از دست نداده‌اند، جا دارد به دو آیه آخر سوره "توبه" که باز هم در وصف پیامبر رحمت است، نگاهی بکنند و تا خیلی دیر نشده از خسران ابدی خود را خلاص کنند.

رسولی از میان خودتان برای (سعادت) شما آمده که تحمل آنچه شما را می‌آزارد (جهل و جور و فقر و فسادهای اجتماعی) بر او بس گرانبار است. او بر سعادت شما (نه سلطه و ثروت خویش) حریص است و با مؤمنان رؤف و مهربان است.

عبدالعلی بازرگان  
۷ اسفند ماه ۱۳۸۸